گفت‌وگو

بازخوانی نقش راهبردی امام حسن عسکری(ع) در تثبیت میراث حدیثی در گفت‌وگو با دکتر محمود ملکی، معاون علمی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

امام حسن عسکری(ع)؛ معمار شبکه معرفتی شیعه

احمدی | هشتم ربیع‌الثانی، سالروز ولادت باسعادت حضرت امام حسن عسکری(ع) فرصت متفاوتی برای تحلیل ساختارشناسی اندیشه و میراث مکتوب امامیه در سده سوم هجری است. برخلاف تصور عمومی که حیات پیشوای یازدهم را صرفاً در محدودیت‌های پادگانی سامرا می‌بیند، بررسی‌های متنی و حدیثی نشان می‌دهد این دوران، عصر تثبیت شبکه ارتباطی و نظام‌مندی دانش روایی تشیع بوده است. بازخوانی این جریان علمی و اجتماعی نیاز به نگاهی دقیق، متکی بر اسناد تاریخی و به دور از تحلیل‌های سطحی دارد.

در گفت‌وگو با دکتر محمود ملکی، معاون علمی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و متخصص تاریخ حدیث و متون امامیه، ابعاد ناگفته و نوینی از پویایی علمی، مدیریت اجتماعی و سیره معرفتی این امام جوان را به بحث نشسته‌ایم. با ما همراه باشید.

■ زیست‌نامه تاریخی و زمینه‌های امامت در سامرا

دکتر ملکی در ابتدا به زمینه تاریخی ولادت و هجرت حضرت اشاره کرده و توضیح می‌دهد: ولادت حضرت امام حسن عسکری(ع) در سال ۲۳۲ هجری قمری در شهر مدینه منوره رخ داد. نگاهی به شناسنامه تاریخی معصومان(ع) نشان می‌دهد به جز پیامبر اکرم(ص)، حضرت امیرالمؤمنین(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س) که در مکه متولد شدند و حضرت ولی‌عصر(عج) که در سامرا دیده به جهان گشودند، سایر ائمه اطهار(ع) همگی متولد مدینه هستند. حضرت امام حسن عسکری(ع) نیز دوران کودکی را در همین شهر مقدس سپری کردند تا اینکه در کنار پدر بزرگوارشان حضرت امام هادی(ع) به مرکز خلافت عباسی یعنی سامرا منتقل شدند. دوران حیات اجتماعی حضرت با خلافت چند تن از حاکمان عباسی همزمان بود و دوران امامت ۶ساله ایشان از سال ۲۵۴ هجری قمری با خلفایی چون معتز، مهتدی و معتمد عباسی مقارن شد.

وی در ادامه به وضعیت دشوار دوران امامت حضرت پرداخته و یادآور می‌شود: امامت حضرت در سن ۲۲ سالگی آغاز شد و ایشان در ۲۸ سالگی به شهادت رسیدند. با وجود جوانی، حضور حضرت در سامرا تحولات مهمی را در حوزه دینی و اجتماعی رقم زد. معتمد عباسی که حاکمی ستمگر بود، زمام امور را در دست داشت و فشار بر خاندان پیامبر(ص) در این دوره به اوج رسید. با این حال، معنویات و حکمت امام عسکری(ع) چنان تأثیر عمیقی بر جامعه گذاشت که حاکمیت وقت توان کنترل نفوذ معنوی ایشان را نداشت. حیات کوتاه اما پرتلاش حضرت، نمونه‌ای کامل از مدیریت علمی و هدایت جامعه در شرایط محاصره و کنترل شدید حکومت به شمار می‌رود.

■ مرزبندی صریح اندیشه اصیل با جریان‌های انحرافی

این پژوهشگر علوم اسلامی درباره رویکرد امام به جنبش‌های سیاسی عصر خود می‌گوید: یکی از وقایع مهم دوران امامت ایشان، بروز فتنه صاحب‌زنج یا زنگیان در سال ۲۵۵ هجری قمری در منطقه بصره بود. رهبر این قیام مدعی انتساب به خاندان امام علی(ع) بود و آشوب وسیعی در منطقه ایجاد کرد. حضرت امام حسن عسکری(ع) با قاطعیت تمام این ادعا را رد و اعلام فرمودند این شخص هیچ نسبتی با اهل‌بیت(ع) ندارد. با این موضع‌گیری هوشمندانه، خط فکری و روشی تشیع از رفتارهای ساختارشکنانه و خشونت‌آمیز جدا شد تا جامعه دچار اشتباه در شناخت مرزهای حق و باطل نشود.

دکتر ملکی با بررسی نمونه‌های مشابه در تاریخ تشیع تصریح می‌کند: این موضع‌گیری شبیه برخوردی بود که حضرت امام رضا(ع) سال‌ها پیش با رفتارهای زایدالوصف برخی مدعیان داشتند. اهل‌بیت(ع) همواره بر حفظ امنیت عمومی، کرامت انسانی و مرزبندی آشکار با کسانی که به نام دین دست به آشوب می‌زدند، تأکید می‌کردند. حضرت امام حسن عسکری(ع) نیز اجازه ندادند سوءاستفاده از نام آل‌علی(ع) ملعبه‌ای برای اهداف جاه‌طلبانه شود. این مرزبندی شفاف، از انحراف عقیدتی شیعیان در آن دوران پرآشوب جلوگیری کرد و چهره واقعی معارف اهل‌بیت(ع) را در جامعه شفاف نگه داشت.

■ عصر تنظیم و ساماندهی میراث حدیثی

معاون علمی بنیاد پژوهش‌های اسلامی با ورود به حوزه تخصصی حدیث، تغییر الگوی علمی در سده سوم را این‌گونه تبیین می‌کند: از عصر حضرت امام رضا(ع) تا شهادت امام عسکری(ع)، یک تحول بنیادین در حوزه علوم حدیث شیعه رخ داد. اگر دوره امام باقر(ع) و امام صادق(ع) را دوران صدور و گسترش احادیث بنامیم، سده سوم هجری دوران تنظیم، دسته‌بندی و نگارش ساختاریافته میراث روایی است. در این دوره به دلیل محدودیت‌های شدید حاکمیت بر ائمه متأخر که آنان را تحت‌نظر نگه می‌داشتند، احادیث صادر شده از شخص امام کمتر شد؛ به‌طوری که روایات مستقیم حضرت امام حسن عسکری(ع) حدود ۴۰۰ حدیث است.

وی در ادامه درباره کوشش‌های علمی یاران امام(ع) می‌گوید: در همین دوره، شاگردان و اصحاب برجسته امام اهتمام بی‌نظیری به باب‌بندی و تدوین مکتوبات حدیثی نشان دادند. کتاب‌های مهمی همچون المحاسن نوشته احمد بن محمد بن خالد برقی و آثار نوادر در این عصر شکل گرفتند. این تلاش‌ها موجب شد پراکندگی یادداشت‌های روایی اولیه جای خود را به اثرهای علمی مدون با مقدمه و باب‌بندی دقیق بدهد. در واقع حضرت امام حسن عسکری(ع) هدایتگر اصلی این حرکت بزرگ علمی بودند که میراث گذشته را از خطر نابودی و تحریف نجات داد و به صورتی منظم به نسل‌های بعدی منتقل کرد.

■ شبکه مکاتبات و پویایی سازمان وکالت

این حدیث‌پژوه درباره شیوه‌های ارتباطی امام با پیروان خود توضیح می‌دهد: به دلیل زیرنظر بودن حضرت در پادگان نظامی سامرا، سبک ارتباط مستقیم بسیار دشوار بود؛ از این رو روش مکاتبه و استفاده از نامه گسترش فراوانی یافت. راویان بزرگی همچون محمد بن حسن صفار قمی از طریق نامه با حضرت در ارتباط بودند و پاسخ سؤالات خود را دریافت می‌کردند. این نامه‌ها خطوط فکری و فقهی جامعه را روشن می‌کرد. شخصیت‌هایی چون ابوهاشم جعفری نیز که از بزرگان بنی‌هاشم و بسیار مورد احترام بودند، روایات ارزشمندی را از راه همین ارتباطات از امام نقل کرده‌اند.

دکتر ملکی همچنین به ساختار اجرایی سازمان وکالت اشاره کرده و می‌افزاید: امام از طریق شبکه گسترده وکالت، ارتباط خود را با مناطق دوری چون قم و ری حفظ می‌کردند. وکلای امام در شهرهای مختلف، مسئول پاسخ‌گویی به مسائل دینی و دریافت وجوهات بودند. این نظام ارتباطی که از عصر امام کاظم(ع) شکل گرفته بود، در زمان امام عسکری(ع) به اوج کارآمدی خود رسید. باوجود کنترل شدید حکومت عباسی و ضرورت حضور منظم امام(ع) در دارالخلافه برای اعلام حضور، حضرت توانستند با هدایت غیرمستقیم، انسجام و پویایی جامعه دینی را به شایسته‌ترین شکل ممکن حفظ کنند.

■ جلوه‌های شکوه معنوی در نگاه کارگزاران حکومت

این پژوهشگر تاریخ با نقل روایتی از احترام متقابل مخالفان به مقام امام می‌گوید: نفوذ معنوی و اخلاقی حضرت چنان بود که حتی کارگزاران حکومت عباسی نیز در برابر عظمت ایشان سر تعظیم فرود می‌آوردند. در گزارش‌های تاریخی آمده است احمد بن عبیدالله بن خاقان، مسئول مالیات قم در عصر عباسی که خود میانه خوشی با خاندان پیامبر(ص) نداشت، نقل می‌کند روزی حضرت امام حسن عسکری(ع) وارد مجلس پدرش شدند. پدر او که از مقامات عالی‌رتبه بود، با دیدن امام برخاست، ایشان را در صدر مجلس نشاند و نهایت احترام را ابراز داشت.

وی در تکمیل این روایت تاریخی یادآور می‌شود: وقتی احمد از پدرش درباره دلیل این همه احترام پرسید، پدرش پاسخ داد این شخصیت در زهد، پاکدامنی، شایستگی و تقوا سرآمد همگان است و اگر خلافت از دست عباسیان خارج شود، هیچ‌کس شایسته‌تر از او برای هدایت جامعه نیست. این گواهی تاریخی نشان می‌دهد شکوه‌مندی رفتار و عظمت علمی امام عسکری(ع) چنان آشکار بود که حتی دشمنان سیاسی نیز توان انکار فضائل اخلاقی و معنوی ایشان را نداشتند و بر شایستگی بی‌نظیر آن حضرت اذعان می‌کردند.

■ میراث ماندگار سامرا و گوهر رفتاری پیشوای یازدهم(ع)

معاون علمی بنیاد پژوهش‌های اسلامی در بخش پایانی گفت‌وگو به جایگاه حرم مطهر حضرت در سامرا و سیره اخلاقی ایشان پرداخته و تصریح می‌کند: حرم مطهر امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) در سامرا، درواقع خانه شخصی این دو امام بزرگوار بوده است و آنان در منزل خود به خاک سپرده شدند. برخلاف بسیاری از شهرهای تاریخی که با انتقال مرکز حکومت دچار افول شدند، شهر سامرا بقا و آبادانی خود در طول تاریخ را مدیون وجود مبارک این مراقد مطهر است. این مکان مقدس، خانه امامت و متعلق به آستان حضرت ولی‌عصر(عج) است که همچنان ملجأ و پناهگاه دین‌داران از سراسر جهان به شمار می‌رود.

دکتر ملکی با تمسک به روایاتی گهربار از امام حسن عسکری(ع) سخن خود را به پایان می‌برد: در حوزه اخلاق و سبک زندگی، کلام امام عسکری(ع) راه‌گشای رفتارهای فردی و اجتماعی ماست. حضرت در حدیثی درخشان می‌فرمایند: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبَ» یعنی تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ‌گویی است. همچنین در توصیه‌ای هوشمندانه برای مواجهه با افراد در روابط اجتماعی می‌فرمایند: «احْذَرْ كُلَّ ذَكِيٍّ سَاكِنِ الْأَطْرَافِ» یعنی از هر انسان تیزهوش و درون‌گرا و خاموشی برحذر باش و هوشیاری خود را حفظ کن. این رهنمودها نشان‌دهنده عمق نگاه اخلاقی و تربیتی پیشوای یازدهم برای ساختن جامعه‌ای بر پایه راستی و هوشمندی است.

مروری بر تدبیرهای معنوی و اثرگذاری پنهان یازدهمین امام شیعیان در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین حامد کاشانی

امام حسن عسکری علیه‌السلام؛ روایت روشن ماندن چراغ هدایت در عصر حصر

مریم احمدی شیروان | شهر سامرا در قرن سوم هجری، پادگانی محصور و تحت شدیدترین تدابیر امنیتی بود؛ جایی که دستگاه خلافت عباسی تمام توان خود را به کار بست تا نفوذ معنوی و علمی حضرت امام حسن عسکری(ع) را مهار و ارتباط ایشان را با جامعه قطع کند. امروز، هشتم ربیع‌الثانی، سالروز ولادت مبارک پیشوایی است که در اوج این خفقان سنگین، نه‌تنها اجازه نداد مشعل هدایت کم‌نور شود، بلکه با تدابیر معنوی، امدادهای غیبی و گره‌گشایی‌های پدرانه، معارف عمیق توحیدی را در شریان‌های جامعه اسلامی جاری کرد.

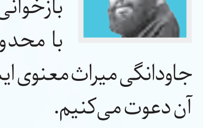

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین حامد کاشانی، کارشناس تاریخ اسلام، به بازخوانی مواجهه هوشمندانه اباالمهدی(ع) با محدودیت‌های عصر حصر و چگونگی جاودانگی میراث معنوی ایشان پرداخته‌ایم که شما را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم.

■ تجلی نور معصوم(ع) در حصار نظام پادگانی

حجت‌الاسلام کاشانی با تحلیل چرایی تغییر رفتار دستگاه خلافت پس از دوران امام رضا(ع) خاطرنشان می‌کند: سلاطین عباسی پس از مشاهده قدرت بی‌نظیر استدلال و نفوذ کلام ائمه اطهار(ع) در مناظرات رسمی، دریافتند در عرصه آزاد اندیشه و حوزه‌های علمی آن روزگار توان مواجهه با پیشوایان معصوم(ع) را ندارند. از همین رو، رویکرد خود را از مناظره علمی به سمت حصر فیزیکی و خفقان شدید تغییر دادند تا ارتباط مستقیم جامعه را با سرچشمه علم الهی قطع کنند. بر همین اساس، امامان بعدی در سنین جوانی تحت تدابیر شدید امنیتی قرار گرفتند و حضرت ابامحمد امام حسن عسکری(ع) نیز بیشتر عمر شریف بیست‌وهشت‌ساله خود را در مرکز نظامی سامرا گذراندند تا امکان تشکیل حلقه‌های درس یا نگارش آثار به‌صورت رسمی از ایشان سلب شود.

وی با تبیین ناپایداری مکر دشمنان در برابر عظمت الهی پیشوای یازدهم(ع) ادامه می‌دهد: در نگاه رایج، عالمی که امکان حضور در مدرسه، پروراندن شاگردان فراوان و نگارش آثار گوناگون را نداشته باشد، نفوذ علمی‌اش کاهش می‌یابد. اما حاکمیت عباسی با وجود به‌کارگیری تمام ابزارهای ساختاری خود نتوانست جلوه علمی و جاذبه معنوی حضرت امام حسن عسکری(ع) را خاموش کند. نور وجودی امام معصوم(ع) چنان پرفروغ بود که از پس میله‌های تبعید و دیوارهای حصار پادگان نیز ظلمتکده جامعه آن روز را روشنی می‌بخشید و اندیشمندان منصف را در برابر عظمت خویش به خضوع وادار می‌کرد.

■ گواهی تاریخی اندیشمندان غیرشیعی بر عظمت ابامحمد(ع)

حجت‌الاسلام کاشانی درباره بازتاب فرامذهبی عظمت علمی و اخلاقی یازدهمین پیشوای شیعیان توضیح می‌دهد: یکی از سندهای بسیار ارزشمند تاریخی، نوشته‌های جاحظ، از دانشمندان مطرح و پرنفوذ قرن سوم هجری است که آثارش حتی پس از ۱۲ قرن همچنان مورد توجه پژوهشگران قرار دارد. جاحظ در رساله معروف خود با عنوان «فضل هاشم علی عبد شمس» به تبیین فضائل خاندان پیامبر اکرم(ص) می‌پردازد. وی با نقل عبارات این مورخ شهیر عباسی تصریح می‌کند: جاحظ در این اثر تاریخی صریحاً اقرار می‌کند بنی‌هاشم معتقدند پس از پیامبر خدا(ص)، علی بن ابی‌طالب(ع) و ۱۰ پسر او حضور دارند که هیچ‌کس در دانش، زهد، تقوا و عظمت با آنان قابل مقایسه نیست. او در ادامه این مسیر، نام مبارک حضرت الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی(ع) را به‌عنوان یازدهمین خورشید این سلسله نورانی ذکر می‌کند. این اعتراف تاریخی از سوی فردی که هم‌عصر امام بوده، اثبات می‌کند خورشید وجود حضرت ابامحمد(ع) چنان تابناک بوده که حاکمیت عباسی با تمام تبلیغات خود نتوانست عظمت علمی او را در چشم هم‌عصرانش خرد و بی‌مقدار جلوه دهد.

■ ابطال شبهات فلسفی با اشاراتی کوتاه و برهانی

این کارشناس تاریخ اسلام با مرور مواجهه هوشمندانه امام همام با جریان‌های انحرافی و شبهات فکری بیان می‌کند: در همان دوران خفقان، فیلسوفی مطرح قصد داشت کتابی در رد معارف قرآن کریم به نگارش درآورد و افکار عمومی را دچار تردید کند. حضرت امام حسن عسکری(ع) از داخل تبعیدگاه و تنها با ارسال یک پرسش کوتاه و برهانی از طریق یکی از شاگردان، منطق آن فیلسوف را زیرسؤال بردند. حضرت فرمودند از او بپرس آیا احتمال دارد گوینده قرآن از کلام خود معنایی غیر از آنچه تو فهمیده‌ای را قصد کرده باشد؟ آن فیلسوف منصف با درک عمق این نقد متوجه خطای خود شد و دست از نگارش برداشت.

حجت‌الاسلام کاشانی با تأکید بر هدایت‌گری مستمر پیشوای یازدهم(ع) با وجود تمام محدودیت‌ها می‌افزاید: اقدام پربرکت آن حضرت مانع پیدایش انحرافی بزرگ شد که می‌توانست قرن‌ها ملعبه دست مخالفان اسلام شود. علاوه بر این، با وجود آنکه حضرت امکان تدریس علنی را نداشتند، براساس اسناد معتبر تاریخی بیش از ده‌ها راوی، محدث و دانشمند برجسته توانستند از سرچشمه دانش ایشان بهره‌مند شوند و حقایق دینی را به نسل‌های بعدی منتقل کنند. این سیر پیوسته نشان می‌دهد مدیریت معنوی امام هرگز متوقف نشد و پیام حق را به عمق جامعه منتقل کرد.

■ نفوذ غیبی و ملاطفت پدرانه با یاران درگاه

وی به تبیین کرامات گره‌گشا و توجهات حضوری و غیبی حضرت به یاران گرفتار می‌پردازد و می‌گوید: ارتباط حضرت ابامحمد(ع) با جامعه شیعه تنها به پاسخ‌گویی علمی محدود نمی‌شد، بلکه ایشان در سخت‌ترین شرایط امنیتی، ملاطفت پدرانه و امدادهای غیبی خود را شامل حال یاران می‌کردند. ابوهاشم جعفری که از یاران نزدیک حضرت بود روایت می‌کند که در زندان تحت فشار شدید غل و زنجیر قرار داشتم و در نامه‌ای به امام از سختی حبس شکایت کردم. حضرت در پاسخ نوشتند تو امروز نماز ظهر را در خانه خود خواهی خواند؛ هنوز ظهر نشده بود که فرج حاصل شد و از زندان آزاد شدم.

استاد کاشانی با اشاره به ادامه این روایت و تجلی رأفت بی‌نظیر امام در رفع نیازهای پنهان یاران یادآور می‌شود: ابوهاشم نقل می‌کند در آن شرایط دچار تنگدستی شدیدی بودم و قصد داشتم در نامه خود تقاضای مالی کنم اما شرم کردم. هنگامی که به خانه رسیدم، فرستاده امام ۱۰۰ دینار برایم آورد و نامه‌ای از حضرت به دستم داد که در آن نوشته شده بود: «إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَلَا تَسْتَحْيِ وَلَا تَحْتَشِمْ وَاطْلُبْهَا فَإِنَّكَ تَرَى مَا تُحِبُّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (الكافي، ج۱، ص۵۰۸). یعنی هرگاه نیازی داشتی حیا مکن و شرم مدار، آن را بخواه که به خواست خدا آنچه دوست داری خواهی دید. این رفتار کریمانه نشان می‌دهد پیشوای یازدهم(ع) حتی در اوج فشار حاکمیت، با پشتوانه‌ای الهی، پناهگاه روحی و مادی یاران خود بوده است.

■ عمومی‌سازی معارف بلند دینی در بستر ادعیه و زیارات

این پژوهشگر تاریخ اسلام با بررسی راهکارهای نوین اهل‌بیت(ع) در گسترش معارف دینی در میان عموم مردم خاطرنشان می‌کند: تعمق در روایات تخصصی و تحلیل سندهای حدیثی نیازمند مجاهدت‌های علمی فراوانی است که عموم مردم به دلیل اشتغالات روزمره امکان ورود به آن را ندارند. اصحاب برجسته‌ای چون ابان بن تغلب عمر خود را در این راه نهادند؛ چنان‌که وقتی ابان از دنیا رفت، حضرت امام صادق(ع) در رثای او فرمودند: «وَاللَّهِ لَقَدْ أَوْجَعَ قَلْبِي مَوْتُ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ» (معجم رجال الحدیث، ج۱، ص۱۴۸) یعنی به خدا سوگند مرگ ابان قلب مرا به درد آورد. اما سؤال این بود عموم مردم چگونه باید با معارف بلند توحیدی پیوند برقرار کنند؟

حجت‌الاسلام کاشانی در پاسخ به این پرسش کلیدی، قالب ادعیه و زیارت‌نامه‌ها را ماندگارترین تدبیر اهل‌بیت(ع) دانسته و می‌گوید: حضرت امام هادی(ع) و حضرت امام حسن عسکری(ع) برای حل این مسئله، عمیق‌ترین مفاهیم توحیدی، امام‌شناسی و معاد را در قالب زیارت‌نامه‌ها و صلوات تدوین کردند. زیاراتی مانند زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه، یک دوره کامل معارف اعتقادی هستند. مؤمنان با زمزمه این کلمات نورانی در هنگام زیارت یا خلوت‌های معنوی، علاوه بر تجدید عهد محبت، اصول بنیادی اعتقادی خود را در جان و دل حک می‌کنند و از انحرافات فکری مصون می‌مانند.

■ گنجینه صلوات بر حجج طاهره و راهکار توسل مؤثر

این کارشناس معارف دینی با بازخوانی یکی از ماندگارترین میراث‌های حدیثی به‌جامانده از یازدهمین پیشوای شیعیان اظهار می‌کند: یکی از گنجینه‌های بس عظیمی که از حضرت اباالمهدی(ع) به دست ما رسیده، صلوات خاصه بر چهارده معصوم(ع) است. این متن شریف را شیخ طوسی نزدیک به هزار سال پیش در کتاب ارزشمند مصباح المتهجد ثبت کرده است. این صلوات، جامع‌ترین منشور معرفتی در بازشناسی مقام نورانی اهل‌بیت(ع) است که در قالبی بسیار روان و دلنشین آموزش داده شده تا هر فردی بتواند مراتب ارادت و توسل خود را به درگاه الهی عرضه دارد.

استاد کاشانی با نهایی‌سازی این گفت‌وگو و ایجاد پیوند میان ولادت حضرت و آستان حضرت رضا(ع) تأکید می‌کند: در فرازی از این صلوات شریف درباره حضرت علی بن موسی الرضا(ع) آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضِيتَ بِهِ مَنْ خَلَقْتَ» (مصباح المتهجد، ص۴۰۲) یعنی خدایا درود فرست بر علی بن موسی‌الرضا(ع)، آن امامی که او را پسندیدی و به‌واسطه او از آفریدگانت خشنود شدی. امروز در سالروز میلاد باسعادت حضرت امام حسن عسکری(ع)، شایسته است که با توسل به آستان ولی‌نعمتمان حضرت رضا(ع)، ایشان را واسطه خیر قرار دهیم تا فرزند برومندشان حضرت ولی‌عصر(عج) نگاه لطف خود را از ما دریغ ندارند و پرونده زندگی ما را به انوار هدایت و غفران الهی منور فرمایند.

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام ابوی‌سانی به مناسبت سالروز میلاد امام حسن عسکری(ع) مطرح شد

ایستادگی مجاهدانه و کادرسازی برای عصر غیبت؛ رسالت شیعه در نفی انفعال میدان

ریحانه عامل نیک | همزمان با فرارسیدن سالروز ولادت با برکت یازدهمین پیشوای شیعیان، حضرت امام حسن عسکری(ع)، بازخوانی سیره سیاسی و الگوی مبارزاتی آن حضرت در مواجهه با خفقان دستگاه عباسی، اهمیت مضاعفی دارد؛ دورانی که به نقطه عطفی در تقویت شبکه وکالت و تمهید بسترها برای ورود به عصر غیبت تبدیل شد.

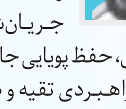

در همین راستا، در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ابوی‌سانی، مدرس حوزه و دانشگاه و پژوهشگر تاریخ و جریان‌شناسی، به بررسی شیوه‌های کادرسازی، حفظ پویایی جامعه ایمانی در شرایط حصر نظامی، کارکرد راهبردی تقیه و ضرورت نگاه منظومه‌ای به سیره مبارزاتی معصومین(ع) پرداخته‌ایم که مشروح آن تقدیم می‌شود.

■ زیست تشکیلاتی در پادگان سامرا و شکست محاصره امنیتی عباسیان

امام عسکری(ع) پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام هادی(ع)، مسئولیت امامت را بر عهده گرفتند. مرکز حضور ایشان شهر سامرا بود؛ منطقه‌ای که به‌واسطه فشار شدید و محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی خلفای عباسی، شباهت بسیاری به یک پادگان نظامی داشت. از آنجا که حکومت عباسی احساس خطر جدی از جانب حضرات معصومین(ع) داشت، امام و پدر بزرگوارشان را در مناطقی که بیشترین تراکم نیروهای نظامی را داشت، تحت نظر شدید و به‌نوعی در حصار قرار داده بود. با وجود این شرایط خفقان‌بار، امام عسکری(ع) در همان منطقه به ساماندهی شیعیان، تقویت تشکیلات شیعه و حل مشکلات عمومی مردم پرداختند و باوجود دشواری‌های موجود در برقراری ارتباط، حضور ایشان در این مسیر بسیار محسوس بود. ایشان اواخر دوران حکومت معتز عباسی به امامت رسیدند و دوران دو خلیفه عباسی دیگر را نیز درک کردند؛ تا اینکه سرانجام در ۲۸ سالگی، در دوران حکومت معتمد عباسی به شهادت رسیدند و در منزل خود در کنار مزار پدر بزرگوارشان به خاک سپرده شدند.

سازماندهی تشکیلاتی شیعیان در فضای امنیتی؛ گزارش‌هایی که به نقل از امامان شیعه به حکومت وقت رسیده بود، حاکی از آن بود که فرزند امام‌عسکری(ع) بر حکومت‌های باطل قیام کرده و برپاکننده حق خواهد بود؛ از این‌رو، ارتباط حضرت با شیعیان به‌شدت محدود شده‌بود. امام ناچار بودند در هفته، دو روز به مرکز حکومت مراجعه کنند تا حضورشان تحت نظر حاکمیت تأیید شود. با این حال، ایشان در همین مسیر نیز گاه در قالب‌هایی نظیر ارتباط با فروشنده‌ها و... با مردم ملاقات می‌کردند. این حضور، حتی در مسیر دارالحکومه، برای مردم روحیه‌بخش بود و شور و شعفی ایجاد می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که جمعیت زیادی برای دیدن ایشان جمع می‌شدند. با گذشت زمان و سخت‌تر شدن رفتارهای حکومت، ارتباط مستقیم امام با مردم عملاً قطع شد و به سمت استفاده از وکلا و نامه‌نگاری‌های مکتوب سوق پیدا کرد تا از طریق این وکلا، دستورات و پیام‌های امام به مردم منتقل شود.

■ مهندسی شبکه وکالت و سازوکارهای نوین اعتبارسنجی سفرا

شیوه‌های نوین در انتقال بیانات و احکام شرعی؛ یک تحلیل کلیدی در این زمینه آن است که امام عسکری(ع) در حال آماده‌سازی مردم برای دوران غیبت بودند، چراکه حتی با وجود حضور امام، افراد کمی می‌توانستند به محضر ایشان برسند و نظراتشان را منتقل کنند. حتی در مواقعی که افراد به بهانه‌های مختلف موفق به دیدار امام می‌شدند، ایشان گاه از پشت پرده با آن‌ها گفت‌وگو می‌کردند تا فقط صدای امام را بشنوند. در این دوره، شیوه‌های انتشار بیانات امام نسبت به دوران گذشته تفاوت‌هایی کرده بود. مسائل شرعی و آموزش‌های دینی باید مستقیماً از خود امام دریافت می‌شد و روایات به عنوان کلام قطعی ایشان به مردم می‌رسید. در این میان، اصحاب امام به‌تدریج مسیری را آموختند که امام صادق(ع) از پیش پایه‌گذاری کرده بودند؛ مسیری که در آن، مردم می‌توانستند جانشین واقعی امام را درک کنند و حجت بر آنان تمام شود.

سازوکارهای اعتبارسنجی و تأیید وکلا؛ شناخت امام و وکلای صادقِ امام در این دوران با طرح پرسش‌هایی توسط امام به شاگردان شکل می‌گرفت. این پرسش‌ها هم برای شناخت خودِ امام و هم برای اطمینان از صحت ادعای وکلا یا رد ادعاهای دروغین مدعیان امامت به کار می‌رفت. این سؤالات بعضاً به‌صورت سفارشی توسط خود امام به شاگردان آموزش داده می‌شد. در مورد مسائل شرعی نیز شاگردان امام برای برخورد با مخالفان جریان شیعه آموزش دیده بودند. از آنجا که دیدار حضوری و زنده برای پرسش و پاسخ ممکن نبود، سؤالات دست‌به‌دست می‌شد؛ برای نمونه، از طریق افرادی در نقش فروشنده به امام می‌رسید، پاسخ دریافت می‌شد و دوباره به دست مردم بازمی‌گشت. شخصیت‌هایی نظیر محمد بن عثمان عمری، علی بن عیسی قومی و سایر افرادی که نامشان در کتب رجالی ثبت شده، واسطه‌های این نقل‌وانتقالات بودند. بخشی از این ارتباطات نیز از طریق نامه‌هایی بود که خطاب به نمایندگان یا شیعیان ارسال می‌شد.

■ «تقیه» به‌مثابه سپر راهبردی و زیربنای ورود جامعه به عصر غیبت

تقیه به مثابه سپر راهبردی در حفظ جریان تشیع؛ یکی از مسائل مهم در دوران حیات امام عسکری(ع)، موضوع تقیه برای حفظ تشکیلات شیعه است؛ تشکیلاتی که حاصل زحمات ائمه پیشین بود و باید برای دوران غیبت صغری و کبری حفظ می‌شد. حضرت به‌گونه‌ای عمل کردند که مردم به دلیل کم‌دیدن امام، دچار آسیب نشوند و مفهوم غیبت را درک کنند. نکته مهم در سیره ایشان این بود که با وجود برخورد با عناصر تفکرات مقابل و مخالفان عقیدتی، اجازه نمی‌دادند جریان طاغوت از این اختلافات برای ایجاد تقابل و دعوا میان مردم سوءاستفاده کند؛ به‌نحوی که اصل دین و نظامات دینی تحت‌تأثیر قرار نگیرد.

حضرت در توصیه به تقیه، آن را مانند «لباس زیر» توصیف می‌کنند که همیشه باید همراه باشد؛ تا حتی در خلوت نیز سخنی علیه مقدسات سایر مذاهب گفته نشود که بهانه به دست جریان ضد دین بدهد. این مسئله به‌قدری حیاتی بود که حتی غیرشیعیان نیز از حضور و دانش حضرت بهره می‌بردند.

آماده‌سازی امت برای دوران غیبت و میراث ماندگار؛ در نهایت، مدیریت امام عسکری(ع) نشان می‌دهد ما با یک «اولویت» روبه‌رو هستیم: حفظ جریان دین برای تقویت تشکیلاتی که قرار است شخصی چون امام عسکری(ع) آن را به امام زمان(عج) تحویل دهد. آثار مکتوب و تفاسیر قرآنی منسوب به ایشان نیز از دیگر وجوه این میراث است. حضرت با همت والای خود، تشکیلات منسجمی را تحویل امام زمان(عج) دادند که با وجود سختی‌های دوران غیبت، سبب شد قدرت بنی‌عباس آرام‌آرام تقلیل یافته و معارف شیعه به نقاط بیشتری از جهان اسلام منتقل شود. این اقدامات در حقیقت زیربنایی بود برای عبور جامعه شیعی از دوران حضور به دوران غیبت، به‌گونه‌ای که مردم در نبود دسترسی مستقیم به امام، دچار سردرگمی نشوند.

■ بازخوانی سیره مبارزاتی در افق «انسان ۲۵۰ ساله» و نفی دین‌داری کاریکاتوری

میلاد ائمه اطهار(ع) فرصتی برای بازخوانی سیره سیاسی و مبارزاتی؛ مناسبت‌های ولادت ائمه اطهار(ع) همواره نقطه‌عطفی است برای همه ما تا آشنایی عمیق‌تر و دقیق‌تری با سیره اجتماعی، سیاسی و مبارزاتی حضرات معصومین(ع) پیدا کنیم. در همین راستا، اکیداً به مخاطبان گرامی توصیه می‌کنم به مطالعه کتاب شریف «انسان ۲۵۰ ساله» اهتمام داشته باشند؛ به‌ویژه در ایام ولادت امام حسن عسکری(ع)، سرفصل‌ها و بخش‌های مرتبط با دوران حیات و امامت ایشان شایسته توجه جدی است. در این اثر ارزشمند، سیره اهل‌بیت(ع) با تسلط بر تاریخ صدر اسلام و با تکیه بر زاویه دید سیاسی و اجتماعی تبیین شده و نکات بسیار دقیقی درزمینه آن به رشته تحریر درآمده است که بخشی از آن را مورد اشاره قرار دادیم.

شیوه‌های مبارزه با طاغوت و بهره‌گیری از ابزارهای راهبردی؛ اگر بر آن هستیم که خود را پیرو و شیعه راستین معصومین(ع) بدانیم، باید نسبت به نگاه و رویکرد آن بزرگواران در عرصه اجتماع و در مسیر هدایت مردم شناخت پیدا کنیم؛ اینکه بنا بود چه باری را از دوش جامعه بردارند و الگو و شیوه مبارزاتی ایشان با طاغوت‌های دوران چگونه بوده است. حضرات معصومین(ع) و شاگردان مکتب ایشان، از ابزارهای ویژه‌ای همچون «تقیه» یا «جدال احسن» به بهترین شیوه بهره می‌بردند. با وجود آنکه در گذر زمان دایره فشارها بر جریان تشیع فزاینده‌تر و محدودیت‌ها تشدید می‌شد، هراندازه که به دوران غیبت نزدیک‌تر می‌شدیم، تشکیلات شیعه قوی‌تر، منسجم‌تر و گسترده‌تر عمل می‌کرد.

تکوین شبکه تشکیلاتی و آسیب‌شناسی نگاه‌های کاریکاتوری به دین؛ تقویت مستمر و انسجام روزافزون جریان تشیع حاصل مجاهدتی تاریخی بود که از دوران امام رضا(ع) به بعد به‌شکل هدفمند در دستور کار قرار گرفت و با هدایت هر امام، مستحکم‌تر و بالنده‌تر از پیش دنبال شد. وظیفه و تلاشی که امروز بر عهده ما قرار دارد، آشناسازی هرچه بیشتر افکار عمومی با این الگوی سیاسی و مبارزاتی است؛ چرا که امروزه برای مبارزه با طاغوت زمان، پاسخ‌گویی به شبهات و روشنگری برای جامعه، به‌شدت نیازمند الگوگیری از این سیره هستیم. اگر امروزه بخشی از مردم نگرش درستی به ساحت اهل‌بیت(ع) ندارند، ناشی از عدم شناخت صحیح یا فهمی کاریکاتوری و ناقص از مکتب است؛ رویکردی که متأسفانه برخی جریان‌های مذهبی نیز بدان دچارند و دین‌داری را صرفاً در مرزهای شعائر و مناسک خلاصه می‌کنند، در حالی که این تلقیِ محدود، مانع شناخت جامع و حقیقی از معصومین(ع) می‌شود.

■ امامت در اوج جوانی و رسالت شیعه در نفی انفعال و حضور در میدان

امام حسن عسکری(ع) در ۲۲ سالگی به مقام امامت رسیدند و در سن ۲۸ سالگی به فیض شهادت نائل آمدند؛ از این‌رو ایشان یکی از جوان‌ترین پیشوایان ما به شمار می‌روند. این واقعیت تاریخی پیامی روشن برای کسانی دارد که گمان می‌کنند به‌دلیل کمبود امکانات نمی‌توان به ساحت دین خدمت کرد. نگاهی به پیشینه ائمه ما، به‌ویژه در اعصار متصل به غیبت صغری و کبری، نشان می‌دهد بزرگوارانی همچون امام جواد(ع)، امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) در سنین بسیار کم مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده گرفتند؛ به‌گونه‌ای که امامت حضرت جوادالائمه(ع) در خردسالی رقم خورد. بنابراین هیچ فردی نمی‌تواند سن یا نبود شرایط را بهانه‌ای برای سلب مسئولیت در مسیر هدایت جامعه، رشد فردی و یاری دین خدا قرار دهد. امام عسکری(ع) با وجود تمام فشارهای سخت امنیتی و حصر، مقتدرانه ایستادگی کردند، به تمشیت امور پرداختند، تشکیلات منسجم وکالت را تقویت و شاگردانی شایسته تربیت کردند. این شاگردان برای هدایت جامعه در دوران غیبت صغری به‌خوبی به بار نشستند و جامعه ایمانی باوجود جوانی امام و کوتاهی دوران امامت ۶ساله ایشان، هرگز در معارف و احکام دینی خود احساس خلأ یا انقطاع نکرد.

سیره عملی این امام همام بیانگر آن است ما از همان نخستین گام‌هایی که به شناخت دین و فهم تکالیف خود نائل می‌شویم، باید در قامت یک انسان مبارز زیست کنیم؛ الگویی از زندگی که در آن، فرد برای دینش در میدان حاضر است، دست به اقدام و قیام می‌زند، هرگز دچار انفعال نمی‌شود و از تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود برای تحقق آرمان‌های ائمه اطهار(ع) بهره می‌گیرد. هدف بنیادین امام عسکری(ع) آماده‌سازی و هدایت امت برای برپایی حکومت عادلانه و راستین بود. این سیره درس‌آموز و صفحات زرین زندگانی این امام معصوم(ع) آکنده از رخدادها و شواهدی است که ابعاد این راه روشن را بیش از پیش برای ما تبیین می‌کند.

الهی عجل لولیک الفرج

گزارش

بازخوانی کارنامه سیاسی و تشکیلاتی امام یازدهم(ع) در مدیریت بحران

راهبرد چهارگانه؛ از تثبیت اعتقادی و استقلال معیشتی تا صیانت از موعود

ریحانه عامل نیک | هشتم ربیع‌الثانی، تاریخ اسلام به نور میلاد پیشوایی روشن می‌شود که سنگین‌ترین رسالت هدایت را در امنیتی‌ترین مقطع از ادوار خلافت عباسی عهده‌دار شد. دوران ولادت و امامت امام حسن عسکری(ع) مصادف با فروپاشی سیاسی خلافت بغداد و روی کار آمدن استبداد نظامی خلفایی چون معتز، مهتدی و معتمد بود. از سوی دیگر، تبدیل شیعه به یک قدرت عظیم اجتماعی در جهان اسلام و هراس حکومت از روایات قطعی درزمینه ولادت مهدی موعود(عج) از نسل امام یازدهم، موجب شد شدیدترین محدودیت‌ها، بازرسی‌های مکرر و احضارهای اجباری دو روز در هفته بر ایشان تحمیل شود. با این حال، در سیره امام عسکری(ع) ردی از انفعال نمی‌بینیم؛ بلکه آن حضرت با به‌کارگیری چهار راهبرد اساسی شامل توسعه شبکه وکالت، فعالیت سرّی تقیه‌محور، حمایت فکری و مالی از شیعیان و تمهیدات ویژه برای حفظ موعود و آماده‌سازی اذهان برای غیبت، مکتب تشیع را از انحراف و متلاشی شدن نجات بخشیدند. سالروز میلاد این امام همام، فرصتی بنیادین برای بازخوانی این الگوی تشکیلاتی در آستانه ورود جامعه اسلامی به بزرگ‌ترین آزمون تاریخی یعنی عصر غیبت است.

■ زیست در کانون مراقبت؛ هندسه فشار و وحشت دربار عباسی

تاریخ تشیع با فراز و فرودهای گسترده‌ای همراه بوده است؛ دورانی که پس از عصر رسالت، خلافت و امامت نخستین، در عصر سلطنت موروثی و از سال ۲۳۲ هجری با ضعف شدید و زوال سیاسی دربار بغداد همزمان شد. امام حسن عسکری(ع) در چنین فضایی متولد شدند و در سال ۲۳۳ هجری به همراه پدر بزرگوارشان امام هادی(ع)، به‌اجبار از مدینه به سامرا فراخوانده شدند. این اقدام شبیه سیاست مأمون در انتقال امام رضا(ع) به توس بود تا از ارتباط آزاد جامعه علمی و فقهی با امام ممانعت شود و شیعیان تحت کنترل قرار گیرند.

علت تشدید فشارها بر امام یازدهم(ع) دو نکته کلیدی بود. نخست، کثرت جمعیت و قدرت چشمگیر شیعیان در عراق که مشروعیت عباسیان را نمی‌پذیرفتند و دوم، آگاهی قطعی حاکمان از احادیث نبوی دال بر اینکه منجی برچیننده بساط ستمگران، فرزند بلافصل امام عسکری(ع) است. از این رو، دستگاه حکومت، امام را وادار کرد دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها حضور خود را به دارالخلافه اعلام کنند. حتی معتز و مهتدی ایشان را محبوس و دستور ترورشان را صادر کردند. در چنین فضای رعب‌آوری، دیدار حضوری با امام خطری مهلک به شمار می‌رفت؛ چنان‌که اصحاب نقل می‌کنند در کوچه منتظرِ رؤیت امام بودیم که پیامی از حضرت رسید: «فَإِنَّكُمْ لَا تَأْمَنُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ»؛ هیچ‌کدام از شما بر من سلام نکرده و با دست اشاره نکنید، زیرا جان شما در امان نیست (الخرائج والجرائح، راوندی، ج۱، ص۴۳۹؛ بحارالانوار، ج۵۰، ص۲۷۲). این دشواری‌ها به حدی بود که خود حضرت فرمودند: «مَا مُنِيَ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي بِمِثْلِ مَا مُنِيتُ بِهِ مِنْ شَكِّ هَذِهِ الْعِصَابَةِ»؛ هیچ‌یک از پدرانم مانند من گرفتار شک و تردید شیعیان در امامت نشدند. (تحف‌العقول، ص۴۸۷؛ بحارالانوار، ج۵۰، ص۲۷۳)

■ شبکه وکالت و پیک‌ها؛ ساختار نوین ارتباط در پهنه‌تشیع

در عصر امام عسکری(ع)، مذهب اهل‌بیت(ع) در شهرهایی مانند کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آوه، مدائن، خراسان، یمن، ری، آذربایجان، سامرا، جرجان، بصره و حله پایگاه‌های وسیعی یافته بود. این گستردگی جغرافیایی، ساماندهی منظمی را ایجاب می‌کرد تا پیوند مردم با امام و تعامل با یکدیگر از هم نگسلد. حضرت این امر را با اتکا به سه بازوی وکالت، پیک و مکاتبه سامان بخشیدند.

ایشان چهره‌های نخبه را در بلاد به وکالت گذاشتند؛ از جمله ابراهیم بن عبده در نیشابور که امام در حکمی مکتوب به عبدالله بن حمدویه بیهقی نوشتند: «من ابراهیم بن عبده را برای دریافت حقوق مالی آن سامان منصوب کردم و او را وکیل امین و مورد اعتماد خویش قرار دادم. تقوا پیشه کنید و وجوه واجب را بپردازید که هیچ‌کس در تأخیر آن معذور نیست». (رجال کشی، ص۵۷۷؛ معجم رجال الحدیث، ج۱، ص۲۴۸)

شخصیت‌هایی چون احمد بن اسحاق قمی و محمد بن عثمان عمری نیز حلقه ارتباطی دیگر بلاد بودند. همزمان، پیک‌های امینی چون ابوالادیان و داوود بن اسود پیام‌ها را در استتار حمل می‌کردند. روزی امام چوب ضخیمی پر از نامه به داوود سپردند تا به عثمان بن سعید برساند. چوب در برخورد با قاطر شکست و نامه‌ها هویدا شد. امام پس از بازگشت وی، ضمن هشدار تشکیلاتی فرمودند: «هرگاه شنیدی کسی به ما ناسزا می‌گوید راهت را بگیر و برو و با او مشاجره نکن و خود را معرفی ننما؛ ما در شهر بدی زندگی می‌کنیم، تو کار خود را بکن و بدان که اخبارت به ما می‌رسد». (مناقب ابن‌شهرآشوب، ج۴، ص۴۲۷) میراث مکتوب حضرت نیز که با عنوان «مکاتبات الرجال» گردآوری شده، گواه این شبکه گسترده ارتباطی است.

■ پنهان‌کاری و راهبرد تقیه؛ مدیریت هوشمندانه بحران

با توجه به نظارت شبانه‌روزی مأموران، مبارزه سیاسی امام یازدهم(ع) بر اصل تقیه و حفظ اسرار استوار بود. این شیوه نه‌تنها از سوی حضرت، بلکه از جانب کارگزاران ایشان نیز بادقت اجرا می‌شد؛ چنان‌که عثمان بن سعید عمری با پوشش روغن‌فروشی، اموال و مراسلات شیعیان را در ظروف و مشک‌های روغن قرار می‌داد و به خانه امام می‌رساند. (الغیبة، شیخ طوسی، ص۳۵۴) حتی در شرایط حبس، ارتباط قطع نشد؛ ابویعقوب گزارش می‌دهد امام از زندان مکان و زمانی را مشخص می‌کردند و باوجود نگهبانان سختگیر، سر موعد حاضر می‌شدند، رهنمودها را ارائه می‌دادند و پیش از آگاهی زندانبانان بازمی‌گشتند (خرائج راوندی، ج۱، ص۴۴۲). رازداری ضرورتی قطعی بود؛ عبدالعزیز بلخی نقل می‌کند در بازار سامرا خواستم فریاد بزنم مردم این پیشوای شماست، اما امام انگشت اشاره بر دهان نهادند و شب‌هنگام متذکر شدند: رازداری کنید وگرنه کشته می‌شوید و خود را هلاک نسازید. (مناقب، ج۴، ص۴۲۸)

امام(ع) به کسانی که به سبب خفقان، امکان تحرک میدانی نداشتند، آرامش می‌بخشیدند. علی بن عاصم کوفی از ناتوانی خود در نصرت گلایه کرد؛ امام(ع) حدیثی نبوی را بدین مضمون تلاوت فرمودند: «هر کسی به علت ناتوانی نتواند ما اهل‌بیت(ع) را یاری و در پنهان، دشمنان ما را لعن کند، خداوند صدای او را به فرشتگان می‌رساند؛ فرشتگان بر او درود می‌فرستند و حق تعالی ندایش را مستجاب کرده و او را در زمره نیکان قرار می‌دهد». (تفسیر الامام العسکری(ع)، ص۳۴۸)

■ حمایت از چهره‌های شیعی؛ تثبیت اعتقادی و استقلال معیشتی

مواجهه با طاغوت، فشار روحی و اقتصادی گزافی بر نخبگان جامعه تحمیل می‌کرد. امام عسکری(ع) با درک اینکه ضعف بنیه مالی و هجوم شبهات فکری زمینه انحراف شیعیان را فراهم می‌کند، راهبرد حمایتی دوگانه‌ای را پیش گرفتند.

در جبهه اندیشه، ایشان افکار متزلزل را تثبیت می‌کردند. محمد بن ربیع شیبانی در اهواز با فردی ثنوی مناظره کرده و رگه‌هایی از تردید در باطنش راه یافته بود؛ چون به سامرا رسید، امام(ع) پیش از آنکه سخنی رد و بدل شود با اشاره انگشت به وی فرمودند: «أَحَدٌ، أَحَدٌ، فَوَحِّدْ»؛ خدا یکتاست، یکتاست؛ پس او را یگانه دان (بحارالانوار، ج۵۰، ص۲۵۴). این کلام امام(ع) تاریکی تردید را از جان او پاک کرد.

در عرصه اقتصادی نیز امام(ع) مانع از آن می‌شدند که یاران شاخص به سبب تنگدستی جذب دربار شوند یا احساس خواری کنند. ابوهاشم جعفری می‌گوید: در مضیقه شدید مالی بودم و خواستم نامه‌ای به امام بنویسم اما حیا مانع شد. به خانه که رسیدم پیکی از سوی امام ۱۰۰ دینار آورد و در نامه‌ای همراه آن آمده بود: «هرگاه احتیاج پیدا کردی خجالت نکش و خودداری نکن و از ما بخواه، چرا که به خواست خدا به مقصودت خواهی رسید» (اعلام الوری، طبرسی، ص۳۷۲). این رویکرد کرامت‌بخش، پایگاه شیعه را از آلودگی به تطمیع ستمگران مصون کرد.

■ مهندسی دوران گذار؛ صیانت از موعود و تمهید عصرغیبت

برجسته‌ترین و خطیرترین مأموریت امام حسن عسکری(ع)، تولد حضرت مهدی(عج)، حفاظت از جان ایشان و آماده‌سازی امت برای حادثه شگفت و نامأنوس «غیبت» بود. دربار عباسی جاسوسان بسیاری حتی درون خانه امام گمارده بود؛ بنابراین حضرت تولد را مخفی نگه داشتند، به‌گونه‌ای که حتی برخی خادمان تا دو سال بی‌خبر بودند (کمال الدین، ج۲، ص۴۳۳). ایشان برای انحراف نگاه دستگاه، مادر بزرگوارشان را وصی رسمی قرار دادند تا دشمنان یقین کنند فرزندی باقی نمانده است (الغیبة، شیخ طوسی، ص۲۲۴) و در سال ۲۵۹ هجری فرزندشان را همراه جده به سفر حج فرستادند تا از رصد جلادان در امان بمانند.

از سوی دیگر، برای صیانت از خواص در برابر یأس و تردید، با ارسال وجوه عقیقه و نشان دادن اختصاصی کودک، حجت را تمام کردند. در واقعه‌ای مشهور، حضرت در جمع ۴۰ تن از معتمدان، فرزند خویش را نشان داده و فرمودند: «این پیشوای شما پس از من و خلیفه من در میان شماست؛ از او اطاعت کنید و پس از من در دین خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد و بدانید که پس از امروز، او را نخواهید دید». (کمال الدین، ج۲، ص۴۳۵؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص۳۴۶) همچنین احمد بن اسحاق قمی خدمت امام شرفیاب شد و حضرت با آوردن فرزند سه‌ساله خویش که چهره‌اش چون ماه می‌درخشید، غیبت طولانی را تبیین کرده و فرمودند: «ای احمد بن اسحاق! خدای تعالی از زمان آفرینش آدم تا قیامت هرگز زمین را از حجت خالی نگذاشته و نمی‌گذارد؛ به سبب او بلا دفع می‌شود، باران می‌بارد و برکات زمین آشکار می‌شود... به خدا سوگند او غیبتی خواهد داشت که هیچ‌کس در آن نجات نمی‌یابد مگر کسی که خداوند، او را بر امامت استوار دارد و توفیق دعا برای تعجیل فرجش را به وی عطا کند» (کمال الدین، ج۲، ص۳۸۴؛ کفایة الاثر، ص۲۹۲). به این ترتیب امام یازدهم(ع) با کاهش دیدارهای مستقیم و مکالمه از پشت پرده، ساختار فکری و روانی جامعه را برای گذار به عصر غیبت صغری و کبری تثبیت کردند.